



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شیخ اعظم انصاری(ره) در پایان بحث تعذر المثل فی المثلی یک فرعی را مطرح کرده و فرموده: « فرعٌ: لو دفع القيمة فی المثلی المتعذر مثله، ثم تمکن من المثل، فالظاهر عدم المثل فی ذمته، وفاقاً للعلامة رحمه الله و من تأخر عنه ممن تعرض للمسألة؛ لأن المثل كان ديناً فی الذمة سقط بأداء عوضه مع التراضي فلا يعود، كما لو تراضيا بعوضه مع وجوده ».

شیخ در ادامه به بحثی که قبلاً انجام دادیم درباره اینکه چه وقت مثل فی الذمه تبدیل به قیمت می شود، اشاره کرده و فرموده: « هذا علی المختار من عدم سقوط المثل عن الذمة بالإعواز » و سپس فرموده: « و أما علی القول بسقوطه وانقلابه قيمياً، فإن قلنا: إن المصوب انقلب قيمياً عند تعذر مثله، فأولی بالسقوط؛ لأن المدفوع نفس ما فی الذمة. و إن قلنا: إن المثل بتعذره النازل منزلة التلف صار قيمياً، احتمال وجوب المثل عند وجوده؛ لأن القيمة حينئذ بدل الحيلولة عن المثل، سیأتی أن حکمه عود المبدل عند انتفاء الحيلولة ».

بدل حیلولة که بعدا آن را می خوانیم آن است که اگر شخصی عینی را بغیر حق تصرف کند و در اختیار بگیرد

اما آن را از بین نبرد بلکه در جائی بگذارد که امکان دسترسی به آن وجود ندارد مثلاً آن را به دریا انداخته باشد در اینصورت عین تلف نشده و باقیست لذا شخص مسلماً ضامن آن است منتهی باید بدل حیلولة پرداخت کند، مثلاً فرض کنید شخصی ماشینی را بغیر حق در اختیار گرفته و در جائی گذاشته که به آن دسترسی نیست، در اینصورت باید بخاطر تعذر در پرداخت ماشین قیمتش را به عنوان بدل حیلولة پرداخت کند تا وقتی که بتواند خود ماشین را در اختیار بگیرد و به صاحبش برگرداند و آن بدل حیلولة را پس بگیرد که شیخ انصاری می فرماید ما نحن فيه را نیز می توانیم بدل حیلولة در نظر بگیریم، این کلام شیخ طبق مبنای خودش بود که به عرضتان رسید.

حضرت امام(ره) در کتاب بیعشان این بحث را یک بحث مستقلی قرار داده و فرموده ما باید ببینیم پرداخت عین، اگر نشد مثل و اگر نشد قیمت، به چه صورت است و چه نوع پرداختی می باشد؟ اگر بگوئیم پرداخت مثل یک درجه پائین تر و ناقص تر از پرداخت خود عین است و پرداخت قیمت نیز یک درجه پائین تر از پرداخت مثل است در این صورت سه مرتبه برای پرداخت حق قائل شده ایم و وقتی که به عرف مراجعه می کنیم می بینیم که در عرف اگر کسی حق دیگری را کامل بپردازد مسئله تمام است اما اگر حق دیگری را ناقص بپردازد باید منتظر بمانند تا اینکه بعدا اگر توانست پرداخت کند و در مانحن فيه نیز فرض بر این است که قیمت یعنی مرتبه سوم و ناقص ترین را پرداخت کرده لذا اگر بعدا مرتبه کامل تر یعنی مثل بوجود آید قطعاً

جَابِرٌ) مَنْ كَثُرَتْ نِعْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ كَثُرَتْ حَوَائِجُ النَّاسِ  
إِلَيْهِ فَمَنْ قَامَ لِلَّهِ فِيهَا بِمَا يَجِبُ عَرَضَهَا لِلدَّوَامِ وَ  
الْبَقَاءِ وَ مَنْ لَمْ يَقُمْ فِيهَا بِمَا يَجِبُ عَرَضَهَا لِلزَّوَالِ وَ  
الْفَنَاءِ .»

ای جابر استواری دین و دنیا به چهار چیز است : عالمی  
که به علم خود عمل کند ، و جاهلی که از آموختن  
سرباز نزند ، و بخشنده‌ای که در بخشش بخل نورزد ، و  
فقیری که آخرت خود را به دنیا نفروشد . پس هر گاه  
عالم علم خود را تباه کند ، نادان به آموختن روی نیاورد  
، هر گاه بی‌نیاز در بخشش بخل ورزد، تهیدست آخرت  
خویش را به دنیا فروشد . ای جابر کسی که نعمت‌های  
فراوان خدا به او روی کرد ، نیازهای فراوان مردم نیز به  
او روی آورد ، پس اگر صاحب نعمتی حقوق واجب  
الهی را بپردازد ، خداوند نعمت‌ها را بر او جاودانه سازد،  
و آن کس که حقوق واجب الهی در نعمت‌ها را نپردازد،  
خداوند ، آن را به زوال و نابودی کشاند .

خوب و اما امروز یک روایتی را متناسب با بحثمان از  
حضرت صادق(ع) می خوانیم که حضرت خطاب به  
حفص بن غیاث این روایت را بیان کرده اند ، حفص بن  
غیاث از قضاة عامه می باشد منتهی کتابی دارد که در آن  
از حضرت باقر و صادق علیهما السلام روایات زیادی را  
نقل کرده ، آیت الله خوئی در معجم رجال حدیث فرموده  
۱۵۰ روایت از حفص بن غیاث نقل شده و شیخ طوسی  
نیز فرموده کتاب او مورد اعتماد می باشد .

خبر این است : « حفص بن غیاث عن ابي  
عبدالله(ع) قال : إذا رأيت العالم محبباً لدنياه

درچنین صورتی عرف شخص ضامن را رها نمی کند و  
به سراغ او می آید و مرتبه کامل تر را مطالبه می کند  
یعنی درواقع این مطلب یک امرعرفی می باشد .

خوب واما به نظر بنده دو مطلب باید به کلام امام(ره)  
اضافه کرد : اول اینکه ما در این مسئله باید آمد قریب و  
آمد بعید را در نظر بگیریم چراکه عرف بین این دو فرق  
میگذارد لذا کلام امام(ره) در آمد قریب عرفاً صادق است  
بخلاف آمد بعید .

دوم اینکه باید ببینیم طرفین چگونه با هم کنار آمده اند؟  
اگر باهم توافق و تراضی کرده باشند یعنی مالک از حق  
خودش گذشته و آن را ساقط کرده باشد که خوب بحثی  
نیست اما اگر مالک اضطراراً قیمت را قبول کرده تا اینکه  
ببیند بعداً چه خواهد شد خوب در این صورت اگر بعداً  
مثل بوجود بیاید مالک می تواند آن را مطالبه کند . بقیه  
بحث بماند برای جلسه بعد إن شاء الله تعالی ...

### نهج البلاغة :

در نهج البلاغه درباره علماء کلمات فراوانی وجود دارد  
ولی ما کلمه ای از کلمات قصار حضرت امیر(ع) را  
انتخاب کردیم که در آن حضرت به جابر فرماید : « وَ  
قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِجَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ (يَا  
جَابِرُ) قِوَامُ الدِّينِ وَ الدُّنْيَا بِأَرْبَعَةِ عَالِمٍ مُسْتَعْمِلٍ  
عِلْمَهُ وَ جَاهِلٍ لَأِ يَسْتَنْكِفُ أَنْ يَتَعَلَّمَ وَ جَوَادٍ لَأِ  
يَبْخُلُ بِمَعْرُوفِهِ وَ فَقِيرٍ لَأِ يَبِيعُ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاةٍ فَإِذَا  
ضَيَّعَ الْعَالِمُ عِلْمَهُ اسْتَنْكَفَ الْجَاهِلُ أَنْ يَتَعَلَّمَ وَ إِذَا  
بَخَلَ الْغَنِيُّ بِمَعْرُوفِهِ بَاعَ الْفَقِيرُ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاةٍ (يَا

فَاتَّهَمُوا عَلِيَّ دِينَكُمْ فَإِنَّ كُلَّ مُحِبٍّ لَشَيْءٍ يَحُوطُ  
 مَا أَحَبَّ وَقَالَ (ص) أَوْحَى اللَّهُ إِلَيَّ دَاوُدَ (ع) لَا  
 تَجْعَلْ بَيْنِي وَبَيْنَكَ عَالِمًا مَّفْتُونًا بِالذُّبْيَاهِ فَيُصَدِّغُ  
 عَنْ طَرِيقِ مَحَبَّتِي فَإِنَّ أَلْتَّكَ قَطَّاعَ طَرِيقِ عِبَادِي  
 الْمُرِيدِينَ ، إِنَّ أَدْنَى مَا أَنَا صَانِعٌ بِهِمْ أَنْ أَنْزِعَ  
 حَلَاوَةَ مَنَاجَاتِي عَنْ قُلُوبِهِمْ .»

هرگاه دانشمند و عالمی را دوستدار دنیا یافتید او را در کار دین خود متهم بدانید ، زیرا دوستدار هر چیزی گردد محبوبش می گردد و فرمود (ص) : خداوند به داود (ع) وحی کرد : میان من و خودت دانشمند فریفته دنیا را واسطه قرار نده که تورا از راه دوستی من دور سازد ، اینگونه عالمان راهزنان بندگان جویای من هستند . همانا کمترین کاری که با ایشان کنم این است که شیرینی مناجات با خودم را از دلشان برکنم .

ملا محسن فیض کاشانی در ص ۴۱ از جلد اول وافی در توضیح این روایت فرموده : در اینجا که خداوند فرموده شیرینی مناجاتم را از دل علماء شیفته به دنیا برمی دارم ، مناجات دو معنی دارد ؛ اول اینکه انسان با زبان با خداوند متعال مناجات کند مثل مناجات خمسة عشر امام سجاد (ع) ، دوم مناجات قلبی می باشد یعنی خداوند درک و فهم و لذت قلبی که انسان از خشية الهی می برد را از دل عالم شیفته به دنیا بر می دارد زیرا تنها همّ و غمّ و هدف آنها دنیا می باشد بنابراین خداوند متعال لذت هر دو نوع مناجات را از عالم شیفته دنیا می گیرد .

علماء و وظایف بسیار سنگینی دارند و گذشت زمان نیز این وظیفه را سنگین تر می کند خصوصاً در حال حاضر که جنگ نرم بین دشمنان اسلام و اسلام بوجود آمده و علماء پیشتازان و افسران این جنگ نرم می باشند . قرن هاست که غرب در برابر اسلام موضع گیری مخالف و منفی دارد و همیشه سعی کرده که اسلام و مسلمانان را تحت سیطره داشته باشد و آنها را ضعیف و تحقیر کند و از طرفی خداوند متعال در آیه ۱۴۱ از سوره نساء فرموده : « لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا » و علماء بزرگ ما که از اول با دشمنان اسلام و شیعه مبارزه کرده اند به همین خاطر ( عدم تسلط کفار بر مسلمانان ) بوده زیرا دشمنان اسلام همیشه خواسته اند که نسبت به مسلمانان سلطه سیاسی و فرهنگی و اقتصادی بوجود بیاورند و این حرکت آنها همچنان ادامه دارد و روز به روز شدیدتر نیز می شود و رهبر معظم انقلاب آیت الله خامنه ای دامت برکاته نیز در سفری که اخیراً به خراسان شمالی کرده اند یکی از صحبت‌هایشان همین موضوع بود ، خلاصه اینکه دشمنان اسلام اگر میدان پیدا کنند جلوتر می آیند و انرژی هسته ای و تحریم ها بهانه ای بیش نیست ولی الحمدلله قدرت و عزت و عظمت و اقتدار شما باعث شده که نتوانند خیلی جلو بیایند در زمان آیت الله بروجردی تسلط اروپا و آمریکا بر ایران خیلی زیاد بود و شاه ایران یک مترسکی از طرف آمریکا در برابر کشورهای عربی بود و مانع حرکت دولتهای عربی در برابر آمریکا و مستکبرین بود ، حتی به قدری دولتهای مستکبر غربی در ایران نفوذ داشتند که بنده فراموش نمی کنم که یک وقتی چند نفر

با کمک پروردگار همه ما در این جنگ نرم غالب و پیروز خواهیم شد... .

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

محمد آله الطاهیرین

آمدند خدمت آیت الله بروجردی و گفتند ما می خواهیم در ایران حروف تهجی را به حروف لاتین انگلیسی عوض کنیم البته با این بهانه که بشریت یک حروف واحد داشته باشد که آیت الله بروجردی شدیداً با این مسئله مخالفت کردند زیرا نتیجه اش این شد که میان ما و فرهنگ اسلام و قرآن فاصله زیادی می افتاد چرا که تمام کتب ما از قرآن و احادیث و غیرهما به حروف تهجی می باشند ، البته در ترکیه این کار را انجام دادند یعنی ابتدا حکومت را لائیک کردند و بعد حروفشان را به حروف لاتین تغییر دادند و نتیجه اش این شد که مردم آنها از اسلام و قرآن دور شدند ، همچنین به آیت الله بروجردی گفتند که ما می خواهیم در هفته یک روز در سرتاسر جهان تعطیل باشد لذا اجازه بفرمائید که آن روز تعطیل یکشنبه باشد که باز آیت الله بروجردی مخالفت کردند زیرا جمعه در فرهنگ اسلام ارزش بالائی دارد ، علی ای حال این انقلاب و نظام اسلامی ما دشمنان را به عقب رانده لذا آنها هم در مقابل تهدید و تحریم می کنند و یا به اسلام و مقدساتش توهین می کنند مثل کاریکاتورها و فیلم موهونی که درباره پیغمبر اسلام(ص) منتشر کردند .

با توجه به مطالبی که عرض شد وظیفه ما بسیار سنگین می باشد و ما اولاً باید چهره اسلام و پیغمبر(ص) را به همه درست بشناسانیم و ثانیاً همگی باهم متحد باشیم زیرا اگر علماء با هم وحدت داشته باشند خیلی کارائی دارند و می توانند تمامی تبلیغات و تحریم ها و جنگ نرم دشمن را خنثی کنند البته ما غالب هستیم زیرا خداوند قول داده که به ما کمک کند و این شاء الله تعالی